

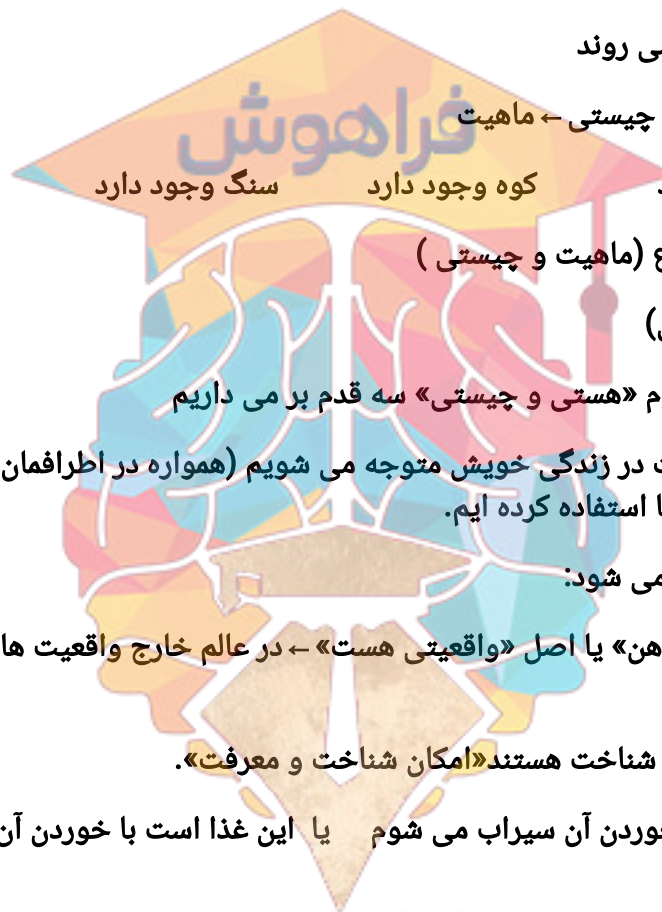
درس 1 «هستی و چیستی»

نسبت دو مفهوم «هستی و چیستی»

1- یکی از مسائل «اولیه فلسفه» است.

2- از پرکار برد ترین مفاهیم میان انسان هاست

3- معمولا در کنار هم به کار می روند



هستی ← وجود

چیستی ← ماهیت

مثال: درخت وجود دارد کوه وجود دارد سنگ وجود دارد

درخت ، کوه، سنگ ← موضوع (ماهیت و چیستی)

وجود دارد ← محمول (هستی)

برای شناخت نسبت بین مفهوم «هستی و چیستی» سه قدم بر می داریم

قدم اول: هر یک از ما با دقت در زندگی خویش متوجه می شویم (همواره در اطرافمان «چیزهایی» را یافته و به حسب نیاز از آن ها استفاده کرده ایم.

از این متن دو اصل برداشت می شود:

1- اصل «واقعیت مستقل از ذهن» یا اصل «واقعیتی هست» ← در عالم خارج واقعیت هایی وجود دارد و خیالی نیستند.

2- واقعیت های خارجی قابل شناخت هستند «امکان شناخت و معرفت».

مثلا: این آب است و من با خوردن آن سیراب می شوم یا این غذا است با خوردن آن رفع گرسنگی می کنم

مطلب بعد: ما گاهی هم چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده ایم

مانند دیدن سراب در جاده

این نکته اشاره به امکان «خطا» در معرفت و شناخت دارد.

سوال قدم نخست:

1- از عبارت های زیر چه پیام های فلسفی برداشت می شود؟

الف- «ما همواره در اطرافمان چیز هایی را یافته ایم و بر حسب نیاز از آن ها استفاده کرده ایم»

ب- «گاه ما چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده ایم»

پاسخ: 1-..... 2-..... 3-.....

سوال؟

رفتار طبیعی و معمولی انسان ها در بر دارنده چه پیام فلسفی است؟

پاسخ - نشان دهنده پذیرش اصل «واقعیت مستقل از ذهن» و عمل بر اساس آن

یعنی خارج از ذهن دردنمای اطراف من واقعیت هایی وجود دارد؛ مثلا آب واقعیت دارد و من با نوشیدن آن سیراب می شوم.

قدم دوم:

ما گاهی با اشاره به چیز های اطراف خود، با استفاده از کلمه «این» و «آن» از چه چیز بودنشان سوال می کنیم؛ مفهوم این سوالات آن است که «می دانم چیزی هست اما نمی دانم چیست»

پس:

هر چیزی که مشاهده می کنیم دو حیثیت در آن می یابیم 1- موجود بودن 2- چیستی داشتن «وجود» وجه مشترک موجودات و «ماهیت» وجه اختصاصی آن هاست.

سوال؟

واقعیت های عالم خارج از ذهن ما (اشیای اطرافمان) دارای چند حیثیت هستند و کدام یک وجه اختصاصی و کدام یک وجه مشترک آن هاست؟

پاسخ:.....

سوال؟

در قضایای : «درخت وجود دارد»، «سنگ وجود دارد»، «کوه وجود دارد»، وجه اشتراک و وجه اختصاصی را مشخص کنید.

پاسخ:.....

سوال؟

هر گاه سوال شود «این چیست؟» و پاسخ داده شود «سنگ»، پاسخ ما اشاره به چه حیثیتی دارد؟

پاسخ:.....

WEB : FARAHOOSH99.IR

قدم سوم:

در قدم سوم بحث در رابطه با «تمایز و مغایرت وجود با ماهیت» است

نکته :

اولین فیلسوف مسلمان که به تمایز وجود با ماهیت اشاره کرد، «فارابی» مؤسس فلسفه اسلامی بود و پس از او ابن سینا راه او را ادامه داد.

در مورد واقعیت های مختلف مثل «درخت»، هستی و چیستی دو جنبه مختلف آن است. حال مفهوم این عبارت چیست؟ یعنی ما در عالم خارج وقتی درختی را مشاهده می کنیم دو مصداق مختلف یا دو موجود مختلف می یابیم، یکی هستی و یکی چیستی؟

ابن سینا در رابطه با این مسئله این گونه بیان می کند که: وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که آن ها دو جز از یک چیزند که با هم ترکیب شده اند، بلکه تفاوت این دو فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و الا در خارج دو چیز جداگانه به نام «وجود» و «درخت» نداریم .

نکته مهم - درخت و وجود، دو مفهوم مختلف اند نه دو موجود جداگانه

توضیح: وقتی ما در بوستان(عالم خارج از ذهن) درختی را می بینیم پی به وجودش می بریم و بعد در ذهن در قالب یک قضیه منطقی وجود را بر درخت حمل می کنیم و می گوئیم: «درخت وجود دارد». وجود غیر از درخت است اما این تفاوت از نظر مفهوم و در ذهن است و از نظر مصداق و در عالم خارج ، یک چیز بیشتر نیست.

سوال؟

وقتی ابن سینا می گوید «چیستی» و «هستی» دو جنبه از یک چیزند، به چه معناست؟

پاسخ:.....

نکته : مفاهیم ذهنی گاهی مصداق خارجی دارند و گاهی ندارند

اطراف ما اشیا فراوانی هستند که هم «چیستی دارند و هم «هستی». مانند: گل، کوه ...
(هم مطمئن به هستی و هم چیستی)

برخی امور چیستی شان برای ما روشن است و حتی در علوم کاربرد دارند اما اطلاع ما از هستی آن ها به همان دقت نیست. مثل: اشکال هندسی

فقط مطمئن به چیستی

از هستی برخی امور خبر داریم اما هنوز نظر روشنی از چیستی آن ها نداریم. مثل: خداوند، روح
فقط مطمئن به هستی

برخی چیستی ها را می توانیم در «در ذهن تصور کنیم» اما می دانیم که تا کنون وجود ندارند.
مثل: غول، ققنوس، دریای جیوه

هم مطمئن به چیستی و هم مطمئن به عدم هستی تا کنون

تفکر:

به نظر شما اگر چیستی با هستی تفاوتی نداشت، لازم نبود که با فرض چیستی ، هستی هم پیدا کنند؟
مثل غول پس چرا در ذهن می توانیم غول (ماهیت یا چیستی) ، تصور کنیم اما در عالم خارج از ذهن غول نیست؟

این مطلب کدام اصل فلسفی را یاد آور می شود؟

تفکر:

در باره برخی از ماهیت ها می توانیم وجود را سلب کنیم .مثلا در باغچه من ، «گل» هم می تواند باشد



هم نباشد. به نظر شما اگر وجود «عین ماهیت، یعنی خود ماهیت و یا جزئی از ماهیت بود، و در عین حال می توانستیم بگوئیم نیست؟ مانند مثال غول، تناقض نبود؟ یعنی هم باشد و هم نباشد

تفکر:

اگر هر ماهیتی به معنای وجود بود، پس وقتی تکرارش می کردیم باید معنای وجود می داد. مثلا در قضیه «کوه کوه است»، کوه که موضوع یا ماهیت است وقتی به عنوان محمول تکرار شده معنای وجود دارد؟ یعنی معنی جمله این است که کوه وجود دارد یا اینکه ماهیت آن کوه است و چیز دیگری نیست؟

سوال؟

به نظر شما هر کدام از تفکرات ذکر شده مبین کدام اصل فلسفی است؟

پاسخ درست شما باید این باشد ← «اصل مغایرت وجود با ماهیت» یا نام دیگر این اصل این است ← «زیلدت وجود بر ماهیت در ذهن»

توجه زیادت وجود با ماهیت در ذهن است نه در عین و خارج و این بدان معناست که از نظر مفهوم متفاوت هستند نه مصداق

یک مقدمه برای ادامه درس:

اگر به شما گفته شود «مثلث چیست» از میان مفاهیم (شکل - زاویه - سه ضلع - 180 درجه) کدام ها باید در تعریف آن استفاده شود؟

بله

شما در تعریف مثلث می گوئید «شکل سه ضلعی» و مثلث بدون این مفاهیم تعریف نمی شود، این مفاهیم که سازنده مثلث هستند، ذاتی «مفاهیم درونی و سازنده» مثلث نامیده می شوند.

در تعریف انسان از میان مفاهیم (زیبا- حیوان- بلند قامت- ناطق- سفید) کدام ذاتی انسان است و در تعریف انسان کاربرد دارد؟

بله «حیوان ناطق»

یعنی مفهوم انسان و حیوان ناطق یکی است

حال تفاوت دو قضیه زیر را با توجه به محمول قضایا بگوئید.

در کدام قضیه 1- حمل محمول بر موضوع ضروری است؟ 2- در کدام مورد قضیه به دست آمده همیشه صادق است؟ 3- در کدام قضیه حمل محمول بر موضوع دلیل نمی خواهد؟ 4- در کدام مورد محمول به معنای موضوع است اما فقط گسترده تر است؟

الف - انسان حیوان ناطق است ب- انسان کوشا است

پاسخ:

پاسخ درست به تمام سوالات، قضیه «انسان حیوان ناطق است» می باشد.

اما حمل کوشا بر انسان الف- ضروری نیست- ب-همیشه صادق نیست - ج- با موضوع یعنی انسان به یک معنا نیست و د- نیاز به دلیل دارد



گروه مشاوره فراش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

سوال فنی؟

به نظر شما حمل «وجود» بر انسان، در قضیه «انسان وجود دارد»، از کدام دسته است؟

پاسخ شما صحیح است مانند «انسان کوشا است»، می باشد زیرا هم ضروری نیست (چون انسان هم می تواند باشد هم نباشد اما حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است)، هم به دلیل نیاز دارد و هم با انسان به یک معنا نیست.

پس دو اصطلاح جدید بیاموزیم:

1- حمل اولی ذاتی – هر گاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد؛ مانند: مفهوم انسان و حیوان ناطق

2- حمل شایع صناعی – هر گاه مفهوم محمول غیر از مفهوم موضوع باشد؛ مانند مفهوم انسان و وجود

سوال؟

آیا می توانید دو حمل اولی ذاتی و شایع صناعی دیگر مثال بزنید؟

ابن سینا می گوید:

1- در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل وجود بر انسان با حمل حیوان ناطق کاملاً متفاوت است. اکنون شما به خوبی دلیل آن را می دانید

توضیح ابن سینا در عبارت «انسان حیوان ناطق» است :

1- محمول در تعریف انسان آمده 2- این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند 3- حمل «ناطق» بر انسان یک حمل ضروری است 4- به دلیل نیاز ندارد یعنی نمی توانید بگویید چرا «حیوان ناطق» را بر انسان حمل کردید. فقط حیوان ناطق از انسان «گسترده تر» است

اما این ویژگی ها در محمول «موجود» برای انسان نیست

پس مهم:

حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله انسان، نیازمند «دلیل» است .

سوال؟

دلیل بر وجود «هر چیستی»، به چه صورت هایی ممکن است باشد؟

پاسخ:

ممکن است «حسی و تجربی» باشد مثل «گل وجود دارد»، که در عالم خارج می بینیم و ممکن است «عقلی محض» باشد مانند دلیل بر وجود خداوند

سوال؟

در گزاره های زیر حمل کدام یک از محمول ها به موضوع نیازمند دلیل است چرا؟

1- انسان شیر است 2- انسان حیوان است 3- انسان مخلوق است

4- مثلث سه ضلعی است

پاسخ 1-.....2.....3.....4-.....

پس «هستی و وجود» به معنای «ماهیت و چیستی» نیست. ← اصل مغایرت وجود با ماهیت

سیر تاریخی مسئله «مغایرت وجود با ماهیت» ↓

1- از دوره «یونان باستان مطرح بوده و ارسطو در کتاب «مابعد الطبیعه» وجود را از ماهیت جدا می کند.

2- فارابی مؤسس فلسفه اسلامی به آن «توجه ویژه» داشته است.

3- ابن سینا در باره آن بیان دقیق دارد به گونه ای که :

الف- مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت

ب- یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی قرار گرفت

ج- پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا یعنی برهان «وجوب و امکان» قرار گرفت

4- از فیلسوفان اروپا «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود :

الف- این نظر را در اروپا گسترش داد

ب- این اصل را مانند ابن سینا پایه برهان خداشناسی خود قرار داد و پایه گذار فلسفه «توماسی یا تومیس» در اروپا شد.

5- آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند.

سوالات:

1- کدام فلاسفه از میان فلاسفه یونان ، مسلمان و اروپا به مسئله «مغایرت وجود با ماهیت» توجه داشته اند؟

پاسخ:.....

2- ابن سینا اصل مغایرت وجود با ماهیت را پایه کدام برهان خود و در اثبات چه چیزی قرار داده است؟

پاسخ:.....

3- کدام فیلسوف اروپایی نظر ابن سینا را در رابطه با اصل «مغایرت وجود با ماهیت» در اروپا گسترش داد و پایه گذار چه فلسفه ای شد؟

پاسخ:.....

4- توماس آکوئیناس کدام اصل را مبنای برهان های خود در خدا شناسی قرار داد و متأثر از کدام فیلسوف مسلمان بود؟

پاسخ:.....

5- کدام فلاسفه اروپایی نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند؟

پاسخ:.....

تاثیر دیدگاه ابن سینا بر فلاسفه غرب و مسلمان:

توضیح:

فلاسفه غرب ↓

نتیجه آشنایی فلاسفه اروپایی با دیدگاه های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد» در قرون وسطی تا رنسانس، فرصتی فراهم آورد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد «مجدداً» با فلسفه ارسطویی آشنا شوند. (تغییر نگرش با مطالعه آثار ابن سینا و ابن رشد در رابطه با فلسفه ارسطو)

فلاسفه مسلمان ↓

ابن نظرابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفتگو های مهم فلسفی فراهم شد که تا عصر ملامت و تا امروز هم ادامه یافته است

6- آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطو چگونه بود؟

پاسخ:.....

7- چه عاملی باعث شکل گیری فلسفه های حس گرا و تجربه گرا شد؟

پاسخ: رشد تجربه گرایی در غرب

سوالات تست

1- کدامیک از مبانی حکمت مشاء از مباحثی است که حکمای مشاء به طور مفصل در باره آن بحث کرده اند ؟

1- مغایرت وجود و ماهیت 2- اصل واقعیتی هست

3- مواد قضایا 4- تقسیم وجود

2- با دقت و تأمل در قضایای مانند، «کوه هست» و «آسمان هست»، متوجه می شویم که.....

1- محمول تمام قضایا قطعا بر موضوع آن صدق می کند

2- واقعیت صرف نظر از ماهیتی که دارد، اصالت دارد

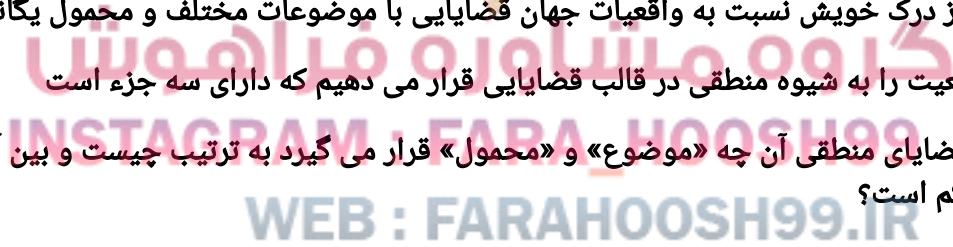
3- ما از درک خویش نسبت به واقعیات جهان قضایایی با موضوعات مختلف و محمول یگانه ساخته ایم

4- واقعیت را به شیوه منطقی در قالب قضایایی قرار می دهیم که دارای سه جزء است

3- در قضایای منطقی آن چه «موضوع» و «محمول» قرار می گیرد به ترتیب چیست و بین آنها چه رابطه ای حاکم است؟

1- ماهیت- وجود - مغایرت 2- وجود- ماهیت- مغایرت

3- ماهیت - وجود- عینیت 4- وجود - ماهیت- عینیت



4- هر واقعیت یگانه در جهان، در چه صورتی در ذهن ما به دو بخش تقسیم می شود؟

1- وقتی به واقعیت آن شی انعان می کنیم

2- وقتی موضوع ادراک و شناخت ما قرار می گیرد

3- وقتی مفاهیم ذهنی را در قالب یک قضیه منطقی قرار می دهیم

4- وقتی در یک قضیه منطقی یک جز بر جز دیگر حمل می شود

5- ذهن انسان با اتصال دو بخش ذهنی وجود و ماهیت در قالب یک قضیه منطقی ، به چه نتیجه ای می رسد؟

1- آن دو بخش ذهنی را از هم جدا می کند

2- واقعیت را موضوع شناسایی خود قرار می دهد

3- واقعیت آن شی را تصدیق می کند

4- آن دو بخش ذهنی را متصل به یکدیگر می بیند

6- «واقعیت واحد» و «مفاهیم متعدد» به ترتیب به کدام یک از موارد زیر صدق می کند؟

1- وجود- ماهیت 2- ماهیت- انسان 3- انسان - حیوان 4- جوهر- انسان

7- ما از ادراکات خویش نسبت به واقعیت های جهان قضایی می سازیم که مرکب از

1- موضوعات مختلف و محمولی یگانه است

2- موضوعات و محمول یگانه

3- موضوعات یکسان و محمولی مختلف

4- ماهیات یکسان و محمولی متفاوت

8- ماهیت و وجود اشیا در.....از هم جداست و این یعنی.....که ازناشی می شود.(سراسری 91)

1- واقعیت- مغایرت مفهوم آنها- اصالت وجود

2- ذهن- مغایرت مفهوم آن دو- قوه انتزاع

3- ذهن- اعتباری بودن ماهیت- اصالت وجود

4- واقعیت- مغایرت آن دو- اصالت یکی و اعتباری بودن دیگری

9- کدام گزینه در مورد مغایرت وجود با ماهیت صحیح است؟(سراسری 66)

1- وجود در خارج عارض بر ماهیت است

2- وجود در ذهن مغایر ماهیت نیست

3- وجود و ماهیت در ذهن مغایر یکدیگرند

4- وجود و ماهیت در خارج دو چیزند

10- در قضیه «دماوند موجود است»، تصور ما از موضوع عین تصور ما از محمول آن نیست، مؤید کدام مسئله فلسفی است؟ (سراسری 75)

1- اصالت وجود و اعتباریت ماهیت 2- مواد ثلاث در قضا

3- مغایرت عین و ذهن 4- جدا بودن وجود با ماهیت

11- «عینیت مفهوم وجود و ماهیت»، «زیادت وجود بر ماهیت» و «مغایرت وجود با ماهیت» به ترتیب، موصوف به چه وصفی می شود؟ (سراسری 90)

1- مقبول- مردود- مقبول 2- مردود- مقبول- مقبول

3- مقبول- مقبول- مردود 4- مردود- مقبول- مردود

12- با توجه به اینکه فهم ما از قضیه «انسان انسان است» با قضیه «انسان موجود است»، یکسان نیست، کدام نتیجه گیری فلسفی صحیح است؟ (سراسری 80)

1- مغایرت وجود با ماهیت در خارج

2- زیادت وجود بر ماهیت در ذهن

3- تلازم وجود با ماهیت در ذهن

4- تقدم وجود بر ماهیت در خارج

13- با توجه به اینکه «تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن ماهیت کافی نیست»، کدام مسئله و اصل فلسفی استفاده می شود؟ (سراسری 76)

1- اشتراک لفظی مفهوم ماهیت 2- بداهت مفهوم وجود

3- زیادت مفهوم وجود بر ماهیت در ذهن 4- مغایرت وجود با ماهیت در عین

14- با فرض اینکه مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد کدام عبارت درست خواهد بود؟ (سراسری 94)

1- امور خیالی واقعا وجود خواهند داشت

2- ماهیات مبهم و ناشناخته خواهند بود

3- هیچ چیزی واقعا وجود نخواهد داشت

4- همه ماهیات عین یکدیگر خواهند بود

گروه مشاوره فراهوش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

پاسخنامه

1- گزینه یک 2-گزینه سه 3- گزینه یک 4- گزینه چهار 5- گزینه سه 6- گزینه یک 7- گزینه یک 8- گزینه دو 9- گزینه 3 10- گزینه چهار 11- گزینه دو 12- گزینه دو 13- گزینه سه 14- گزینه یک

درس 2

«جهان ممکنات»

سوال؟

آیا موجودات این جهان چه متناهی و چه نامتناهی، می توانسته اند نباشند؟

ما در این درس میخواهیم با نظر فیلسوفان در باره امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی دیدگاه ها در باره این سوال را با هم مقایسه کنیم.

برای پاسخ به سوال فوق ضروری به سه نوع رابطه توجه شود؛ به قضایای زیر دقت کنید:

الف- «عدد چهار زوج است» ب- «خربزه میوه شیرینی است» ج- «معلث دایره است»

در قضایای ذکر شده به این سوالات ساده پاسخ دهید:

1- کدامیک حتما هست؟

2- کدامیک حتما نیست؟

3- کدامیک می تواند باشد می تواند نباشد؟

پاسخ:

قضیه الف حتما و ضرورتاً هست و هر چهاری زوج است

قضیه ب ممکن است شیرین باشد ممکن است نباشد

قضیه ج حتما نیست

بنابراین: سه نوع رابطه بین محمول و موضوع قضایا وجود دارد؛

1- رابطه ضروری: محمول برای موضوع ضروری و حتمی است

2- رابطه امکانی: محمول برای موضوع ممکن است

3- رابطه امتناعی محمول برای موضوع غیر ممکن است

حال رابطه میان قضایای زیر را مشخص کنید:

الف- «گل خوشبو است» ب- «معلث سه ضلعی است» ج- «عدد 8 فرد است»

نکته:

اگر محمول «وجود» باشد، رابطه بین محمول با موضوع یا :

الف- واجب الوجود است، که محمول برای موضوع «حتمی و ضروری» است

مانند: خداوند موجود است

ب- ممکن الوجود: رابطه محمول با موضوع، «ممکن» است؛ مانند همه واقعیت های عالم

مانند: «گل موجود است»

ج- ممتنع الوجود رابطه محمول با موضوع، «غیر ممکن» است؛ مانند: «شریک خداوند موجود است»

تقسیمات دیگر ↓

واجب الوجود بر دو قسم است 1- واجب الوجود بالذات 2- واجب الوجود بالغير

ممکن الوجود فقط بالذات است

ممتنع الوجود بر دو قسم است: 1- ممتنع الوجود بالذات 2- ممتنع الوجود بالغير

ممکن الوجود ماهیتی است که نسبت به وجود، حالت امکانی دارد یعنی با هستی و نیستی حالت تساوی دارد و اگر بخواهد «هست» شود نیاز به علتی دارد که آن را از حالت تساوی خارج کند؛ مثلاً ما در باغچه منزل خود می توانیم گل داشته باشیم یا نداشته باشیم اگر علل پیدایش گل حاضر شود، (آب، خاک، بذر، آفتاب و مراقبت) گل به وجود می آید و وجودش ضروری میشود در این صورت به گلی که در باغچه روئیده واجب الوجود می گویند اما چون وجود از ناحیه خودش نبوده، می شود واجب الوجود بالغير (غیر همان علت تامه) است.

اما واجب الوجود بالذات آن است که ضرورت وجود برایش از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی (علت).

حکما خداوند را واجب الوجود بالذات می نامند زیرا خداوند علت العلل است و خود نیاز به علت ندارد.

حال در باره همان گل، اگر حتی یکی از علت های پیدایش گل حاضر نباشد (آب، خاک، بذر، آفتاب و مراقبت)، در این صورت، ضرورت وجود نمی یابد و اصطلاحاً گفته می شود ممتنع الوجود، اما چون این امتناع از ناحیه خودش نیست بلکه به خاطر حاضر نشدن علت (غیر) است، به آن ممتنع الوجود بالغير گفته می شود.

اما گاهی فرض وجود برای چیزی، محال عقلی است، در این صورت به آن ممتنع الوجود بالذات گفته می شود. مانند شریک الهاری - یا اجتماع نقیضین (توجه ممتنع الوجود مصداق ندارد)

حکما تمام واقعیت های جهان خارج را ممکن الوجود می نامند.

پس: واجب الوجود بالغير، ممکن الوجود بالذاتی است که علتش به آن هستی داده و ممتنع الوجود بالغير ممکن الوجود بالذاتی است که هنوزش علتش حاضر نیست.

دقت در یک سوال بر تکرار شما دانش آموزان

آیا ماهیتی می تواند هم واجب الوجود باشد هم ممکن الوجود؟

پاسخ: بله چون ذاتاً ممکن الوجود بوده از این حیث «ممکن الوجود بالذات» است و در عین حال چون اکنون به دلیل حضور علتش هست شده، «واجب الوجود بالغير» نیز هست.

به مثال توجه کنید: «دیوار خانه ما سفید است» رابطه سفید بودن با دیوار خانه امکانی است؛ یعنی می تواند سفید باشد یا نباشد؛ اما اگر گفتیم «دیوار خانه ما سفید شد»، دیگر سفید بودن برای دیوار ضرورت پیدا کرده و واجب شده اما واجب الوجود بالغير

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

ذاتا ممکن الوجود و در عین حال واجب الوجود بالغیر

سوالات متن کتاب صفحه 11 ↓

1- چه کسی «مغایرت وجود و ماهیت را «به خوبی تبیین» کرده و از این بحث در توضیح چه مفهومی استفاده می کند؟

پاسخ:

ابن سینا و در توضیح ممکن الوجود استفاده می کند.

2- پیش از ابن سینا کدام فلاسفه به «مغایرت وجود و ماهیت» اشاره کرده بودند؟

پاسخ: ارسطو و فارابی

3- ابن سینا ممکن الوجود را چگونه تعریف می کند؟

پاسخ:

ابن سینا می گوید وقتی به «ذات» و ماهیت اشیا پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه «امکانی» برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیا به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین به گونه ای نیست که بودن آن ها محال باشد. این اشیا «ذاتا» می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیا ممکن الوجودند.

4- آیا ممکن الوجود بالذات، می تواند بدون علت و خود به خود از حالت امکانی خارج شود؟

پاسخ: خیر ابن سینا می گوید: چیزی که ذاتاً نسبت به وجود حالت امکانی دارد، نمی تواند خود به خود از حالت امکانی خارج شود و موجود شود. به عبارت دیگر این اشیا که ذاتاً ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتاً و ذاتاً واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر باید به آن ها وجود ببخشد.

اصطلاحاً گفته می شود: «ترجیح بلا مرجح محال است» (یعنی خارج شدن از حالت تساوی بدون مرجح یا عامل بیرونی)

5- اگر اشیا این عالم (انسان، گیاه، حیوان و...) ممکن الوجود بالذات هستند، چگونه از حالت امکان خارج می شوند؟ (یعنی واجب الوجود بالغیر می شوند) پاسخ ابن سینا را بنویسید. (برهان ابن سینا در اثبات واجب الوجود بالذات)

توجه: ممکن است این سوال به گونه ای دیگر نیز مطرح شود به این صورت که

برهان ابن سینا(وجوب و امکان) را در اثبات وجود خداوند بنویسید.

پاسخ: هر دو سوال مشترک است

پاسخ:

ابن سینا می گوید: «اشیا» جهان چه محدود و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آن ها را نسبت به وجود، از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آن ها ضروری و واجب نماید؛ بنابر این اشیا جهان «واجب الوجود بالغیرند» که برای «هست» شدن نیاز به «واجب الوجود بالذات» دارند.

نکته: ابن سینا این برهان خود را برهان «صدیقین» نامیده است و در «اثبات واجب الوجود بالذات» است. (برهان خداشناسی)

6- واجب الوجود بالذات چیست؟

پاسخ: همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خودش است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

7- آیا بی نهایت شدن تعداد اشیا جهان، نیازشان به واجب الوجود بالذات را برطرف می سازد؟ ابن سینا از آن چه نتیجه ای می گیرد؟

پاسخ: خیر بلکه آن ها را همچنان نیازمند نگه می دارد.

ابن سینا نتیجه می گیرد که واجب الوجود بر دو قسم است:

1- واجب الوجود بالذات 2- واجب الوجود بالغير

8- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در باره موجودات جهان چیست؟

پاسخ: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغيرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشأت گرفته اند.

9- نظر فلاسفه بعد از ابن سینا در باره برهان ابن سینا در اثبات واجب الوجود بالذات چیست؟

پاسخ:

فلاسفه بعد از ابن سینا هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته اند و آن را برهان «وجوب و امکان» نامیده اند.

10- در اروپا کدام فیلسوف برهان ابن سینا را مطرح کرد و نتیجه آن چه بود؟

پاسخ: توماس آکوئیناس که در بحث «مغایرت وجود با ماهیت» از ابن سینا تبعیت می کرده است، این برهان را در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.

11- در جهان اسلام چه کسانی از برهان ابن سینا استفاده کردند؟

پاسخ:

خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ بهایی و میر داماد از این برهان استفاده کردند.

12- کوشش ملاصدرا و صدرائیان در رابطه با وجوب و امکان ابن سینا چه بود؟

الف- ملا صدرا و صدرائیان این برهان را «ارتقاء» بخشیدند

ب- علاوه بر همین بیان از بیان قوی تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند

13- برهان ملا صدرا در اثبات وجود واجب الوجود بالذات چیست و چه تفاوتی با برهان ابن سینا دارد؟

پاسخ: ملا صدرا می گوید به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی نسبت به وجود و عدم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند (تفاوت - ملاصدرا به جای نگاه کردن به ماهیت، اصل وجود و هستی را بررسی می کنیم) در میان این موجودات نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به

غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد؛ وی این «وابستگی» و «فقر وجودی» را «امکان فقری» نامید تا آن را از امکان «ماهوی» که ابن سینا بیان می کرد، جدا کند.

ابن سینا - امکان ماهوی موجود - واجب بالغیر بودن موجود

ملاصدرا - امکان فقری موجود - عین نیاز و وابستگی به واجب

14- برهان «امکان فقری» یا «فقر وجودی» ملاصدرا را در اثبات واجب الوجود بالذات بنویسید.

پاسخ: ملاصدرا می گوید: فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذلتی و بی نیازی برخوردار است، آن غنای بالذات همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

15- از نظر ملاصدرا «وجود» بر چند گونه است؟

پاسخ: از نظر ملاصدرا وجود بر دو گونه است:

1- وجود بی نیاز و غیر وابسته 2- وجود نیازمند و وابسته

16- تصویر جهان هستی طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» چگونه است؟

پاسخ: طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی»، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد؛ اگر ذات الهی آنی عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آن ها خاموش می شود.

17- ابیات زیر از کیست و در بردارنده چه پیامی است؟

به هر جا دانه ای در باغ و راعی است درون مغز او روشن چراغی است

بود نامحرمان را چشم و دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی نور

بخوان تو آیه نور السموات که چون خورشید یابی جمله ذرات

که تا دانی که در هر ذره خاک یکی نوری است تابان گشته زان پاک

پاسخ: جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد؛ اگر ذات الهی آنی عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آن ها خاموش می شود.

تست های درس 2

1- رابطه امکانی رابطه ای است که عقل

1- از قبول خلافش ابا دارد 2- از قبول خود ابا دارد

3- نه از قبول خود آن ابا دارد نه از قبول خلافش

4- هم از قبول خود آن ابا دارد و هم خلافش

2- ارتباط محمول با موضوع در قضایای حملی به انحصار عقلی محصور در است و لا اقتضاء بودن

محمول برای موضوع مسئله یرا محقق می سازد.

1- ایجاب و سلب و کم و کیف- امکان

2- ایجاب و سلب و کم و کیف- امتناع

3- وجوب و امکان و امتناع- امکان

4- وجوب و امکان و امتناع- امتناع

3- در بحث مواد ثلاثه ی فلسفه ی اسلامی، رابطه ی حاکم میان انسان و ده متر قد داشتن کدام است؟

1- احتمال 2- امکان 3- امتناع 4- ضرورت

4- به رابطه ی موضوع و محمول در قضایای « هر معلولی علتی دارد»، «از علت واحد به غیر از معلول واحد صادر نمی شود» کدام رابطه صدق می کند؟

1- امکان- امکان 2- امکان- امتناع 3- ضرورت- امکان 4- ضرورت- ضرورت

5- با توجه به بحث مواد ثلاث (تقسیمات وجود) کدام عبارت نادرست است؟

1- هر ماهیتی ممکن الوجود است

2- هیچ واقعیتی ممتنع الوجود نیست

3- ممتنع الوجود مانند واجب الوجود یک مصداق بیشتر ندارد

4- همه واقعیات ذاتا یا ممکن الوجودند یا واجب الوجود

گروه مشاوره فراهوش
درس 2

1- گزینه سه 2- گزینه سه 3- گزینه دو 4- گزینه چهار (در اصول عقلانی فلسفی رابطه ضروری برقرار است) 5- گزینه سه (ممتنع الوجود مصداق ندارد)

INSTAGRAM : FARAHOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR



درس 3

«جهان علی و معلولی»

انسان از «کودکی» روحیه پرسشگری دارد و به دنبال «چیستی و چرایی» اشیا است.

انسان از ابتدای ظهور دنبال یافتن علل پدیده ها بوده است

رابطه علیت

1- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی است

2- «شاید» نخستین مسئله ای است که فکر بشر را به خود متوجه کرده است

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

سوالات

WEB : FARAHOOSH99.IR

1- علت و معلول چیست؟ با مثال بنویسید.

پاسخ: علت: چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد معلول هم پدید نمی آید یعنی در وجود خود به آن نیازمند است

معلول: چیزی است که وجودش را از چیز دیگر- که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است

مثال : «آب در 100 درجه حرارت می جوشد» حرارت 100 درجه ← علت جوشیدن آب ← معلول

در این مثال جوشیدن آب نیازمند حرارت است و تا 100 درجه حرارت نباشد آب به جوش نمی آید و وجودش وابسته به حرارت است و حرارت نیز علت و به وجود آورنده آب جوش است.

2- چرا رابطه علیت یک رابطه وجودی است؟

پاسخ:

زیرا یک طرف که همان علت باشد، به طرف دیگر (معلول)، وجود می دهد
به عبارت دیگر: علت نباشد معلول به وجود نمی آید. یا یکی وجودش وابسته به دیگری است.

3- کدام سوال بازتاب و نشانه رابطه علیت است؟

پاسخ: سوال «چرا»

نکته:

تفاوت رابطه وجودی (علیت) با روابط دیگر آن است که در رابطه علیت یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول)، وجود می دهد اما در سایر روابط، رابطه بعد از وجود دو طرف شکل می گیرد و هیچکدام در وجود دیگری نقشی ندارد.

مثلا در رابطه استاد و شاگرد که رابطه تعلیم است، هیچ کدام در وجود و هستی دیگری نقشی نداشته اند و به اصطلاح وجود دهنده نبوده اند.

در مثال های زیر مشخص کنید کدام روابط وجودی است و کدام روابط وجودی نیست. (علیت و غیر علیت)

1- رابطه زمین و اشیای روی آن

2- رابطه حرارت و انبساط فلزات

3- رابطه کار فرما و کارگر

4- رابطه اجزای یک ساعت

پاسخ: 1- رابطه غیر وجودی 2- رابطه وجودی یا علیت

3- رابطه غیر وجودی 4- رابطه غیر وجودی

دیدگاه های مختلف در باره «چگونگی درک رابطه علیت»

در واقع این دیدگاه ها در پاسخ به این سوالات مطرح شده است:

1- آیا چیزی به نام رابطه علیت وجود دارد؟

2- آیا درک رابطه علیت مادر زادی است یا اکتسابی؟

2- رابطه علیت با چه ابزاری درک می شود؟ (عقل- حس...)

در این درس دیدگاه فیلسوفان اروپایی و فلاسفه مسلمان مطرح شده است.

الف- دیدگاه فیلسوفان اروپایی:

فیلسوفان اروپایی با توجه به اینکه 1- عقل گرا باشند یا 2- حس گرا و یا 3- هم عقل را پذیرفته باشند و هم حس و اینکه چه ابزاری را در شناخت معتبر بدانند، در باره «اصل علیت» دیدگاه های متفاوتی دارند.

1- فلاسفه عقل گرا:

دکارت:

سوال؟ به نظر دکارت اصل علیت چگونه درک می شود؟

دکارت معتقد بود که اصل علیت:

الف- بدون دخالت تجربه به دست می آید ب- جز مفاهیم اولیه و بدیهی است (نیاز به دلیل ندارد)

ج- انسان از آن درک فطری دارد

2- تجربه گرایان:

بررسی نظر (آمپریست ها)- از فیلسوفان تجربه گرا بررسی نظر دیوید هیوم

سوال؟

نظر آمپریست ها در باره اصل علیت چیست؟

پاسخ:

آمپریست ها چون هر چیزیی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس «به توالی پدیده ها» پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.

(حس) یک پدیده به دنبال پدیده دیگر توضیح: توالی یعنی در پی یکدیگر آمدن؛ یعنی وقتی ما می بینیم اتفاق می افتد از یکی برای دیگری تعبیر به علت می کنیم

مثلا: چون انسان دیده که همیشه با آمدن خورشید زمین روشن شده و با ناپدید شدن آن تاریک، متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته تا خورشید نیاید زمین روشن نمی شود و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است

توجه و سوال

تفاوت دیدگاه دکارت و آمپریست ها در رابطه با منشا درک رابطه علیت چیست؟

پاسخ:

به نظر دکارت منشا درک علیت درونی و فطری است اما آمپریست ها منشا درک را در عالم خارج و توالی پدیده ها می جویند

دیدگاه هیوم (تجربه گرا) در باره اصل علیت

: هیوم که اساساً تجربه گراست نظر خاصی در این زمینه دارد

سوال؟

دیدگاه هیوم در باره اصل علیت چیست؟

الف- او «امکان معرفت و درک علیت» را از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند

ب- اما معتقد است اصل علیت از طریق حس و تجربه هم ممکن نیست زیرا فراتر از حس است و

محسوس نیست تا با حس درک شود

ج- او منشا اعتقاد به علیت را یک «عادت ذهنی» یعنی «امر روانی ناشی از توالی پدیده ها» می داند

سوال ؟

«منشا اعتقاد به علیت یک امر روانی ناشی از توالی پدیده هاست. این سخن هیوم را توضیح دهید

پاسخ: منظور هیوم این است چون همواره ما یک پدیده را به دنبال پدیده دیگر مشاهده کرده ایم، ذهن ما عادت کرده که یکی را علت بنامد و دیگری را معلول در صورتی که رابطه ای جز به دنبال هم آمدن دو پدیده «توالی» نیست

مثلا وقتی باد می آید، می بینیم که شاخه درخت حرکت می کند، و چون این دو پدیده همواره به دنبال یکدیگر می آیند، ذهن عادت کرده که از آن تعبیر به علیت کند

نکته قابل دقت در سوالات تست : هیوم مستقیماً اصل علیت را انکار نکرده بلکه می گوید فراتر از حس است و با حس قابل شناخت نیست و چون معیار شناخت را حس می داند، اصل علیت را که درک آن از طریق حس ممکن نیست به عنوان یک اصل «عقلی» نمی پذیرد. چون عقل گرا نیست

سوال ؟

تفاوت دیدگاه آمپریست ها با هیوم در رابطه با درک علیت چیست؟

از راه حس (پاسخ: آمپریست ها معتقدند انسان می تواند با درک توالی پدیده ها) پشت سر هم آمدن «اصل علیت» را بنا نهد؛ اما هیوم معتقد است توالی پدیده یک امر روانی است که ذهن را عادت می دهد از آن برداشت علیت کند در صورتی که چیزی جز توالی و پشت سر هم آمدن دو پدیده نیست. در واقع می توان اصل علیت را بنا نهاد اما هیوم معتقد است «توالی» ما «آمپریست ها معتقدند از طریق «توالی» را به اصل علیت نمی رساند

((کانت :- هم عقل و هم حس 3

سوال ؟

کانت تحت تأثیر چه کسی در صدد برآمد تا جایگاه اصل علیت را حفظ کند و دلیل او برای این تلاش چه بود؟

پاسخ: کانت وقتی نظر هیوم در رابطه با اصل علیت را مشاهده کرد سخت تحت تأثیر قرار گرفت و تلاش زیرا او می دانست کرد جایگاه اصل علیت را حفظ کند

الف- دانش بشر متکی به این اصل است

ب- دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل، در جست و جوی علل حوادث بر می آیند

سوال ؟

دیگاه کانت در رابطه با منشا درک علیت چیست؟

پاسخ: کانت بعد از تأملات فراوان به این نتیجه می رسد که «مفهوم علیت» و «رابطه علت و معلول» جزء مفاهیم «پایه ای ذهن» است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است؛ یعنی «ساختار ذهن بشر» به گونه ای است که برخی مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول را نزد خود دارد. به عبارت دیگر

دیدن اشیا به صورت علت و معلول ، امری ذهنی (سوبژکتیو) است

و زمین روشن می شود، در این پدیده توضیح: مثلاً: هنگامی که انسان می بیند خورشید طلوع می کند طلوع خورشید در قالب «علت» قرار می گیرد و روشن شدن زمین در قالب «معلول»، و در این هنگام رابطه علیت بین آن دو درک می شود

توجه

سوبژکتیو مربوط به امر ذهنی و ابژکتیو مربوط به امر عینی است

سوال؟

تفاوت دیدگاه کانت با آمپریست ها در رابطه با اصل علیت چیست؟

پاسخ: از نظر آمپریست ها علیت امری عینی و ابژکتیو است که متکی به حس است و کانت آن را امری سوبژکتیو و مربوط به ذهن می داند

ب- دیدگاه فیلسوفان مسلمان در رابطه با منشأ درک علیت

سوال؟

دیدگاه فیلسوفان مسلمان در باره اصل علیت چیست؟ چرا؟

پاسخ: فلاسفه مسلمان می گویند اصل علیت یک اصل و قاعده «عقلی» است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است

توضیح: یعنی این اصل از مهم ترین اصول و مبانی فلسفی علوم تجربی است. (برای اینکه داده های تجربی به شکل قانون علمی مطرح شوند تا بتوان گفت «همیشه» این پدیده به دنبال پدیده دیگر شکل می گیرد

سوال؟

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره منشأ شکل گیری و درک رابطه علیت چیست؟

علیت را، اصل «امتناع اجتماع نقیضین» می دانند پاسخ: این فلاسفه منشأ اعتقاد به

آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل «امتناع اجتماع نقیضین» شد، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا «این که چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای است که محال است اجتماع نقیضین» آن است که ، چیزی که نیست، باشد و این همان

توضیح بیشتر
WEB : FARAH00SH99.IR

فلاسفه مسلمان می گویند: اگر چیزی نباشد، برای هست شدن باید فاعل یا علتی به او هستی دهد و خودش، بدون علت و خود به خود نمی تواند به وجود بیاید. یعنی چیزی که نیست بدون هیچ علتی هست شود که این جمع دو نقیض (هم نیست هم هست) است و محال می باشد پس برای موجود شدن چیزی حتما نیاز به علت است

ناگهان آب به جوش آید که این ،مثلا شما قصد دارید آبی را به نقطه جوش برسانید اما بدون حرارت محال است

سوال ؟

را می پذیرد؟ «امر روانی ناشی از عادت ذهنی در توالی پدیده ها» آیا ابن سینا دیدگاه هیوم در باره علیت

پاسخ:

آری درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و ت: ابن سینا می گوید تجربه فقط به دنبال هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای نمی تواند از اصل علیت تبیین قانع ، «علیت» نیست . لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گرا است .کننده ای داشته باشد

نکته : ابن سینا اصل علیت را اصلی عقلانی می داند

فلاسفه مسلمان با تجربه گرایان در رابطه شناخت «حوادث طبیعی» که محل وقوع آن عالم تفاوت دیدگاه بعد از درک علیت»، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و « طبیعت است ، این است که تجربه خود استفاده کنیم

کشف علل « طبیعی» (عالم ماده) از راه حس و تجربه صورت می گیرد نه همه امور

خلاصه مقایسه دیدگاه ها در رابطه با اصل علیت

- عقل گرا (دکارت غیر حسی و تجربی و امری فطری می داند الف- از فلاسفه اروپایی سه گروه

- حس گرا (آمپریست ها از طریق حس پی به توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها و از توالی به درک 2 (رابطه علیت می رسیم

(هیوم حس گرا ، علیت فرا حسی است و از طریق توالی به علیت نمی رسیم و منشا اعتقاد به علیت امری روانی و ناشی از عادت ذهنی است

- هم معتقد به حس و هم عقل (کانت اصل علیت جز مفاهیمی ذهنی است 3

- فیلسوفان مسلمان اصلی عقلی است و منشا درک آن ، درک اصل (امتناع اجتماع نقیضین است 4

سنخیت علت و معلول

پیش از تعریف این اصل به مثال زیر توجه کنید:

شما برای تهیه آب جوش سراغ گاز و برای تهیه آب سرد سراغ یخچال می روید؛ آیا شده است که بگویید می خواهم از یخچال آب جوش بردارم ؟

آیا شده است که بگویید می خواهم برای باسواد شدن ورزش کنم و برای یافتن قدرت جسمانی درس بخوانم؟

پاسخ حتما منفی است و شما معتقدید برای هر چیزی باید سراغ «علت خاص و ویژه» آن رفت نه هر علتی ؛

یعنی هر علتی معلول خاص خود را به دنبال دارد و هر معلولی از علت خاص خود به وجود می آید نه هر علتی ؛ به این اصل، «اصل سنخیت علت و معلول» می گویند که ما پس از پذیرش اصل علیت (هر حادثه

علتی دارد)، به اصل سنخیت اذعان می کنیم.

سوالات این بخش

1- اصل سنخیت چیست توضیح دهید؟

پاسخ: انسان علاوه بر اینکه درک می کند هر حادثه ای علتی می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علتی خاص صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند.

2- به نظر فیلسوفان، مردم مطابق کدام اصل «رفتار» می کنند؟

پاسخ: فیلسوفان می گویند همه مردم طبق اصل «سنخیت علت و معلول» رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند و برای سلامتی ورزش می کنند و برای استحکام ساختمان از آهن و بتن استفاده می کنند.

3- آبا فیلسوفان این اصل را عقلی می دانند یا تجربی؟

پاسخ: فیلسوفان- به جز فیلسوفان تجربه گرا- می گویند که این اصل نیز مانند خود اصل «علیت» یک اصل عقلی است. (از طریق عقل درک می شود).

4- یکی از نتایج اصل سنخیت کدام است و لازمه آن چیست؟

پاسخ: یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار «انتظار آثار متناسب با خودش» را دارد؛ به همین سبب می کوشد ویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیا دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

5- برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، از کدام ابزار شناخت می توانیم کمک بگیریم؟

پاسخ: می توانیم از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی، آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.

6- با پذیرش کدام اصل، نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی پیدا می کند؟

پاسخ: اصل سنخیت علت و معلول

5- اهمیت اصل سنخیت برای دانشمندان علوم طبیعی چیست؟

پاسخ:

دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛ آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجو می کنند تا به «علت ویژه» دست یابند.

اصل وجوب علی و معلولی

این اصل را با یک مثال توضیح دهیم.

شما قصد دارید در باغچه منزل گل بکارید؛ برای پیدایش گل نیاز به عوامل مختلفی است از جمله (آب- خاک- آفتاب- بذر مناسب و مراقبت) اگر یکی از این عوامل نباشد، گل به وجود نمی آید.

توجه : همه عوامل با همه علت تامه و هر کدام به تنهایی که لازم هستند اما کافی نیستند، علت ناقصه است.

اما اگر همه عوامل باشد و گل نروید شما می گوئید: «باید تا به حال می روئید»؛ این «باید» یعنی «ضروری و واجب» است؛ یعنی اگر علت تامه یک چیز حاضرشود واجب و ضروری است که معلول هم به وجود آید. طبق اصل (وجوب علیو معلولی).

یاد آوری مطالب قبل:

آموختیم که اشیا عالم خارج از ذهن، «ممکن الوجود بالذلت» هستند یعنی نسبت به بودن و یا نبودن، حالت تساوی دارند و برای هست شدن نیاز به علت

سوال ؟

به نظر ابن سینا چگونه وجود برای «ممکن الوجود بالذات» ضروری می شود؟

پاسخ: ابن سینا می گفت آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، «علت» است؛ معلول بدون علت امکان ذاتی دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به هستی و نیستی حالت تساوی دارد و با آمدن علت وجود معلول «ضرورت» می یابد و موجود میشود.

به عبارت دیگر: معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را داراست، توسط علت (غیر) «واجب الوجود» می شود و وجود می یابد، چنین واجب الوجودی را؛ «واجب الوجود بالغیر» می نامند.

سوال ؟

حالت یک معلول که ذاتاً ممکن الوجود است به چه چیزی تشبیه می شود؟

پاسخ: می توان به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن مساوی است و در اینجا یک عامل بیرونی (علت) لازم است که یکی از کفه ها از دیگری سنگین تر شود.

عقلاً محال است که یک کفه بدون هیچ عامل بیرونی از دیگری سنگین تر شود

«این عامل بیرونی در باره شی ممکن الوجود، همان علت است.»

خلاصه دیدگاه ها

تجربه گرایان – علیت حاصل توالی پدیده هاست

کانت – علیت جز ساختار ذهن است

ابن سینا و پیروان او – چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او – چون انسان از جهت وجودی فقیر است، نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او – چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به علت دارد

تجربه گرایان – اصل علیت یک اصل تجربی است

عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان – اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است

سوالات تست

در ارتباط با رابطه «معلم با دانش آموز» کدام گزینه درست است؟

- 1- رابطه فرع بر وجود دو طرف است
 - 2- رابطه قائم بر هر دو طرف است
 - 3- رابطه ای در وجود آن دو برقرار است
 - 4- رابطه از سنخ روابط علی و معلولی است
- 2- کدام فیلسوف از فطری بودن اصل علیت در عقل انسان صحبت می کند؟
- 1- دکارت
 - 2- ابن سینا
 - 3- هیوم
 - 4- ملاصدرا
- 3- دیوید هیوم در باره علیت می گوید: آنچه ما از طریق حس و تجربه ادراک می کنیم، است.

- 1- عادت روانی
 - 2- توالی پدیده ها
 - 3- رابطه علیت
 - 4- تداعی ذهنی
- 4- از نظر کانت درک اشیا به صورت علت و معلول است.

- 1- عادات ذهنی
 - 2- امری عینی
 - 3- امری ذهنی
 - 4- تداعی ذهنی
- 5- منظور از ابژکتیو و سوبژکتیو، به ترتیب چیست؟

- 1- ذهنی- عینی
 - 2- علت- معلول
 - 3- علی- تجربی
 - 4- عینی- ذهنی
- 6- جمله «علل معین را معلول های معینی» است، بیانگر چه اصلی است؟

- 1- امتناع ترجیح بلا مرجح
- 2- قاعده علیت

- 3- سنخیت علت و معلول
- 4- وجوب علی و معلولی

7- از نظر فیلسوفان مسلمان اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل به دست می آید.

- 1- امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض
- 2- سنخیت علت و معلول

- 3- مغایرت وجود و ماهیت
- 4- علت و معلول

8- کدام گزینه دیدگاه تجربه گرایان در باره اصل علیت را نشان می دهد؟

- 1- علیت جز ساختار ذهن است
- 2- علیت حاصل توالی پدیده هاست

- 3- اصل علیت اصلی عقلانی است
- 4- علیت امری سوبژکتیو است

9- تفاوت رابطه علیت با رابطه مانند کارگر و کارفرما چیست؟

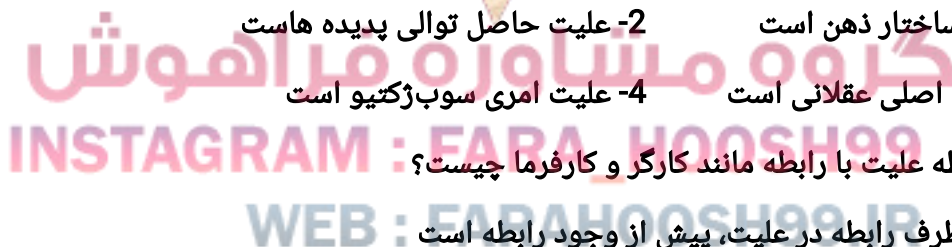
- 1- وجود دو طرف رابطه در علیت، پیش از وجود رابطه است

2- وجود رابطه در علیت، پیش از دو طرف رابطه است

3- در علیت وجود رابطه با وجود دو طرف رابطه هم زمان است

4- در علیت با از بین رفتن رابطه دو طرف همچنان موجودند

10- کدام گزینه رابطه علیت محسوب نمی شود؟



- 1- تمام هستی و بخشی از واقعیت معلول با علیت تحقق می یابد
- 2- مطلقاً در هیچ رابطه دیگری وجود داد و ستد نمی شود
- 3- اگر علت نباشد معلول هم نمی تواند وجود داشته باشد
- 4- این رابطه نیازمندی معلول به علت در هستی خود است
- 11- کانت اصل علیت را امری.....می دانست، زیرا می گفت.....
- 1- عینی- ساختار ذهن ما به گونه ای است علیت را نزد خود دارد
- 2- ذهنی- از طریق تجربه است که مفهوم علت را در ذهن می سازیم
- 3- ذهنی- ساختار ذهن ما به گونه ای است که علیت را نزد خود دارد
- 4- عینی- از طریق تجربه است که مفهوم علیت را در ذهن می سازیم
- 12- کدام گزینه دیدگاه فیلسوفان مسلمان را در باره اصل علیت به درستی نشان می دهد؟
- 1- علیت چیزی نیست که بتوان آن را در پدیده های تجربی شناسایی کرد
- 2- به هیچ وجه نمی توان اصل علیت را از طریق شناخت تجربی به دست آورد
- 3- علیت قاعده ای عقلی است که از طریق توالی پدیده ها شناخته می شود
- 4- اصل علیت قاعده ای فطری است که توسط عقل و تجربه شناخته می شود
- 13- این که فیلسوفان مسلمان با استفاده از اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» اثبات می کنند که هر حادثه نیازمند علت است، بیانگر چیست؟
- 1- پذیرش قاعده سنخیت علت و معلول توسط آن ها
- 2- عقلانی بودن اصل علیت و عدم وابستگی به تجربه
- 3- وجود روابط علی و معلولی میان قواعد فلسفی
- 4- عدم کاربرد اصل علیت در حیطه تجربه و حس
- 14- عبارت «انسان چون از نظر وجودی فقیر است، به علت نیاز دارد، با دیدگاه کدام فیلسوف تناسب بیشتری دارد؟
- 1- ابن سینا 2- بهمنیار 3- میر داماد 4- ملا صدرا درس 3
- 1- گزینه یک 2- گزینه یک 3- گزینه دو 4- گزینه سه 5- گزینه چهار 6- گزینه سه 7- گزینه یک 8- گزینه دو 9- گزینه سه 10- گزینه یک 11- گزینه سه 12- گزینه دو 13- گزینه چهار
- درس 4 «کدام تصویر از جهان»

«بررسی مفهوم اتفاق»

اتفاق معمولاً در برابر اصل علیت یا یکی از فروع آن (سنخیت علی و معلولی، و وجوب علی و معلولی)